

تربیت سالم در زندگی اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم

حبیبه کایدی^۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳

چکیده

مقدمه و هدف: در اسلام به مسئله تربیت، توجه خاصی شده است. زیرا در این آیین مقدس، انسان ها خزانه‌هایی عقلی دارند که باید آنها را گشود. آنان دارای معرفت های فطری نهانی هستند که می توان آنها را با تذکار که جزئی از تربیت است از فراموشی بیرون آورد. هدف از این پژوهش، تربیت سالم در زندگی اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم است.

روش‌شناسی پژوهش: این پژوهش در چارچوب روش تحلیلی و توصیفی انجام شده و از روش کتابخانه ای برای گردآوری مطالب، استفاده شده است و مفاهیم قرآن کریم، مرجع و منبع اصلی استناد مطالب و استدلال های آن است که با مراجعه و بررسی آیات متناسب با موضوع، متن و ترجمه برخی آیات مرجع در بدنه تحقیق ذکر شده و مورد استناد و توضیح واقع شده است.

یافته ها: یافته های تحقیق نشان می دهد که قرآن کریم در زمینه تربیت سالم در زندگی اجتماعی به مسائل اعتقادی، اخلاقی، احکام فقهی و حقوقی به ابعاد اجتماعی انسان نظر کرده است و مولفه های سازنده یک جامعه توحیدی و یکپارچه را برشمرده و مردم را به سوی آنها توصیه نموده و از موانع برحذر داشته است.

نتیجه گیری: یافته های تحقیق نشان می دهد که قرآن کریم در زمینه تربیت سالم در زندگی اجتماعی به مسائل اعتقادی، اخلاقی، احکام فقهی و حقوقی به ابعاد اجتماعی انسان نظر کرده است و مولفه های سازنده یک جامعه توحیدی و یکپارچه را برشمرده و مردم را به سوی آنها توصیه نموده و از موانع برحذر داشته است.

کلید واژه ها: تربیت، زندگی اجتماعی، قرآن کریم .

^۱ دانشجوی دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، کازرون، ایران و آموزگار، بخش بالاده، کازرون (Kayedihabibeh@gmail.com)

مقدمه

قرآن، کتاب تربیتی است؛ « ذلک الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين » (بقره، ۲) و همه لوازم تربیت انسانی را در خود دارد. قرآن کریم به عنوان آخرین و کامل ترین کتاب الهی هدایت بشر، برای تربیت و رسیدن انسان به کمال وجودی خود، دربردارنده اصول و روش های تربیتی است. «و نزلنا عليك الكتاب تبینا لكل شیء». و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است (نحل، ۸۹). « ما فرطنا فی الكتاب من شیء؛ ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکرده ایم (انعام، ۳۸). بنابراین قرآن دربردارنده همه نیازمندی های بشر برای هدایت، تربیت و کسب سعادت بوده و مشتمل بر معارف حقیقی مانند، مفاهیم مرتبط با مبدا، معاد، اخلاق فاضله، احکام الهی و مواعظ راهگشای بشر است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷: ۸۱ و ۸۳؛ ج ۱۲: ۳۲۴ و ۳۲۵). بر این اساس، اسلام هدف های تربیتی گوناگونی داشته که در قرآن بیان شده اند. برخی از مهم ترین آن هدف ها عبارتند از: آشنایی با مبانی توحید، ایمان به خدا و بیزاری از بت پرستی، پرورش افراد متعهد در برابر نظام فکری و اجتماعی آن دوره؛ خود شکوفایی، رسیدن به زندگی بهتر در دنیا و آخرت، تربیت بر اساس تغییر و تحول (رعد، ۱۱)، پرورش روح تقوا، عدالت و عمل صالح. این اهداف با بیان مفاهیم و معارف در قرآن دنبال شده اند. قرآن کریم تنها به بیان چند صفت و قاعده تربیتی برای رفتار و سلوک بشر بسنده نکرده، بلکه زیربنای نظام تربیتی و قواعد معرفت نظری را بنا نهاده است (فتحی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۰). از منظر بینش توحیدی همه انسان ها مسافر لقای خداوند متعال می باشند: « یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه (انشقاق، ۶)؛ اما در این سیر و سلوک درونی کسانی که به دعوت انبیای الهی لبیک گفته و تن به ربوبیت الهی داده و تسلیم فرامین حضرت حق شوند با طی مراحل و منازل مختلف بر درجات و مراتب وجودی خود می افزایند با شایستگی دیدار و لقای جمال حضرت دوست را بیابند و آنان که آگاهانه از این صراحت روی بر می تابند، مرحله به مرحله از مراتب وجودی خود سقوط کرده و با سیر در مسیر اسفل السافلین، باید آماده دیدار با صفات جلالی و غضب و قهر خداوند شوند. پوچ گرایی، ترس و اضطراب، نسبی گرایی عام، بی بنیان شدن اخلاق، شکل گیری فرقه ها و نحله های انحرافی، کشتار و جنایت و خونریزی، مرگ انسانیت و احساس در جهان معاصر همه و همه حاصل عدم تن دادن نوع بشر به تربیت ربوبی و عدم تبیین مناسب مسئله توحید است. بسنده کردن به مراحل سطحی و اولیه توحیدورزی و جایگزینی تربیت اخلاقی، تربیت

معنوی و یا حتی تربیت مرسوم دینی به جای تربیت ناب توحیدی از اشتباهات رایج نظام تربیتی موجود است و متأسفانه باید گفت به رغم آنکه توحید به عنوان غایت تربیت اسلامی معرفی می‌شود. شیخ سفلی و همکاران (۱۴۰۰)، در تحقیقی با عنوان «طراحی الگوی تربیت اجتماعی در قرآن کریم برای پیشگیری از بزهکاری دانش آموزان» پرداختند، که نشان داد الگوی تربیت اجتماعی در قرآن کریم برای پیشگیری از بزهکاری دانش آموزان، شامل سه بعد است: مبانی (توحید، فطرت و اختیار)؛ اصول (تربیت عبادی، تربیت سیاسی، اخلاقی و اقتصادی)؛ روش‌ها (تبیینی، تحمیلی و تلفیقی) است. همچنین بنائی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «شناسایی تاثیر ابعاد تربیت اجتماعی مبتنی بر مبانی فلسفی از منظر قرآن و عترت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش آموزان» دریافتند رعایت قواعد اجتماعی، آموزش، تعامل‌های اجتماعی موثر، بر رفتار اسلامی و سلامت، رفتار مبتنی بر فرهنگ اسلامی، احترام، مردم‌سالاری دینی، مشورت گرفتن از دیگران و تربیت اجتماعی از جمله دستاوردهای ابعاد تربیت اجتماعی مبتنی بر اصول فلسفی از منظر قرآن و عترت هستند. در عصر حاضر که به مدد پیشرفت‌های مختلف علمی و فکری بشر در عرصه‌های گوناگون، وجود خداوند متعال بیش از هر زمان دیگر قابلیت مشهود بودن و رؤیت قلبی آمیخته با یقین یافته است و نحله‌های مختلف مکاتب مادی، به ناچار در برابر ابعاد غیر مادی وجود انسان و جهان سر تعظیم فرود آورده اند و بشر سرخورده از دوران عقل‌گرایی افراطی مدرنیته در تلاش برای باز افکندن خویش در ساحل آرامش ادیان به ویژه دین مبین اسلام است، ضرورت طراحی و تربیت تدوین نظام تربیت توحیدی که پیراسته از انواع و اقسام انحرافات و متناسب با اقتضائات زمان باشد جهت پاسخگویی به این نیاز جهانی بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. این مقاله سعی دارد به طور کلی با تکیه بر دیدگاه قرآن به این سوالات پاسخ دهد؛ تربیت سالم در زندگی اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم چیست؟ اصول تربیت سالم از دیدگاه قرآن کریم چگونه است؟ محورها و مولفه‌های تربیت سالم از دیدگاه قرآن در زندگی اجتماعی چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در چارچوب روش تحلیلی و توصیفی انجام شده و از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری مطالب، استفاده شده است و مفاهیم قرآن کریم، مرجع و منبع اصلی استناد مطالب و استدلال‌های آن است که با مراجعه و بررسی آیات متناسب با موضوع، متن و ترجمه برخی آیات مرجع در بدنه تحقیق ذکر شده و مورد استناد و توضیح واقع شده است.

یافته ها

۱- تربیت سالم در زندگی اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم چیست؟

تربیت، اساس و پایه یک جامعه است. دوام و بقا و حیات و مامت، سعادت و شقاوت، صعود و سقوط، هر جامعه‌ای به تربیت آن بستگی دارد. هر جامعه ای که به این مقوله و گفتمان اهمیت داده، اثرات مثبت آن را دیده است. گفتمان تعلیم و تربیت و چگونگی آن یک گفتمان قرآنی و جهانی است. یعنی این گفتمان از روز اول خلقت تا پایان خلقت در بین انسان ها شایعه بوده و خواهد بود. تربیت یکی از نیازهای اولیه انسان ها است. یکی از علل مهم تعالی و رشد و بالندگی یک جامعه و برعکس آن، یعنی سقوط و انحطاط و عقب ماندگی یک جامعه مسأله تعلیم و تربیت می باشد. پیامبران الهی برای تربیت اجتماعی و دینی جوامع انسانی از سوی پروردگار فرستاده شده اند که جوامع را هدایت و به تربیت راستین سوق دهند. تا هدف خلقت انسان تحقق پذیرد. از جمله آیاتی که بیان کننده این ویژگی مهم می باشند « و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمت »؛ آیه ۱۶۴ سوره آل عمران می باشد، که دستور تربیت، تزکیه، تعلیم، حکمت و دانش به رسول خاتم داده شده است (نوربخش ولاشدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۶).

تربیت عبارت است از تبدیل کردن قوه ها به فعلیت و استخراج نیروها و استعدادهای درونی انسان به سبب شکوفایی و پرورده ساختن است. همچنین در تعریف دیگری آمده است: « تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان، به صورت یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد. همچنین در تعریف کامل دیگری چنین آمده است که: « تربیت از ریشه «ربو» در لغت به معنی غذا دادن و بزرگ کردن است و در اصطلاح مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای ایجاد، ابقا و اکمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در مرتبی صورت می گیرد (حسینی میرصفی، ۱۴۰۱: ۱۰۸).

یکی از بهترین روش های تربیت، ارائه الگو و نمونه عینی، برای تربیت عملی است. از آنجایی که انسان به الگوپذیری گرایش ذاتی دارد، روش ارائه الگو برای تربیت بسیار موثر است. خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر اکرم(ص) را به عنوان بهترین الگوی انسان کامل و تا معرفی فرموده است. همچنین، حضرت ابراهیم و انبیای دیگر را هم به عنوان الگوها و اسوه های حسنه و با فضیلت و

پاک معرفی فرموده و به داستان آنها پرداخته تا از آنان پیروی شود. در مقابل این الگوهای صالح، الگوهای ناصالح، مانند همسر حضرت نوح و همسر حضرت لوط را نیز معرفی فرموده، تا از روش آنان پرهیز گردد (رضازاده عسگری، ۱۳۹۹: ۱۳۴۴). یکی از بهترین و کارآمدترین روش‌های تربیت، ارائه الگو و نمونه عملی است. انسان فطرتاً عشق به کمال مطلق دارد و به دنبال الگوی کامل تر و دارای جاذبه بیشتری برای خود می‌باشد. در روش ارائه الگو، انسان سعی می‌کند خود را با آن الگو و نمونه‌ای که کمالاتی دارد، همانند کند و از او پیروی نماید و خود را مانند آن الگو و نمونه سازد. در آموزه‌های دینی، بهترین الگو، نمونه‌ای کامل و تمام است. خداوند متعال برای هدایت انسانها و تربیت عملی آنها در قرآن کریم، الگوهای مختلف و گوناگونی را معرفی فرموده است تا با پیروی و تبعیت از ایشان به سعادت و هدایت نائل شویم. خداوند متعال پیامبر اکرم (ص) را به عنوان انسان کامل، الگوی نیک و اسوه حسنه به ما معرفی کرده است. چنانچه در قرآن کریم می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله أسوه حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیراً» (احزاب/۲۱). «قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند». حضرت علی (ع) نیز در نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، به اسوه بودن پیامبر اشاره می‌فرماید. خداوند سبحان، در قرآن کریم، نمونه‌های نیک و با فضیلت، از انبیا و اولیای خود، مانند حضرت ابراهیم و حضرت مریم را مطرح می‌فرماید تا مورد پیروی قرار گیرند. از سوی دیگر نمونه‌های ناپاک مانند همسران حضرت نوح و حضرت لوط را نیز معرفی نموده است تا از سیره آنان بیزاری جسته و مورد پیروی قرار نگیرند. بنابراین قرآن کریم، برای رشد و هدایت و تربیت انسانها، روش ارائه الگو و نمونه را به کار برده است. یکی از روش‌های قرآن کریم برای ارائه الگو و نمونه به کاربردن تمثیل و تشبیه است، که در قالب مثل، الگوهای نیک و بد را معرفی نموده و از این شیوه برای هدایت و تربیت و عبرت آموزی استفاده نموده است. معصومین (ع) نیز از روش ارائه الگو و نمونه، برای هدایت و تربیت افراد بهره برده‌اند.

آموزه‌های اسلامی، کتاب و سنت، نظام اخلاقی معینی را عرضه می‌کنند. برخی از مفسران از مسلک خاص قرآن در اخلاق، مانند اخلاق توحیدی، سخن می‌گویند که در ادیان پیشین بی‌سابقه بوده است (نبوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰). تربیت اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز انسان و وسیله‌ای جهت هدایت و رشد اوست که در طول زمان و مرحله به مرحله پیش می‌رود. (فرزندوحی و حیدرئزاد، ۱۳۹۲: ۱۰۱). تربیت مستلزم هدف و غایتی است و این هدف مربوط به تصویری است که انسان دارد و رفتار او را ارزشمند می‌سازد. در هر مرحله تربیتی نیازمند آن است که طبق مراحل

روانی مربوط به آن دوره انجام گیرد؛ چون هر دوره ساختار روانی خاص خود را دارد. انسان، ترکیبی از استعدادها و قوای جسمی و روحی است. پیامبر گرامی اسلام در حدیثی انسان‌ها را به معادن تشبیه کرده و فرموده است: «الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة» مردم معدن‌هایی هستند همچون معادن طلا و نقره. چنانچه این استعدادها به شکوفایی و فعلیت نرسد، زندگی انسان بیهوده و عبث خواهد بود و کسی که هدف مشخص و اعتقادات راسخی دارد، هرگز بدین وضع راضی نیست، بلکه همواره در مسیر کمال گام می‌نهد و هر لحظه خود را به هدف نزدیک تر می‌کند. پس انسانی دور از تربیت، یعنی انسان دور از حیات فرهنگی و اعتقادی، دور از کمال و پیشرفت، انسان بی‌هدف و بالاخره انسانی دور از انسانیت است (فرزندوحی و حیدرنازاد، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

هر یک از انسان‌ها برای آن که از سلامت اجتماعی برخوردار باشند باید درک درستی از اجتماع داشته باشند و خود را یک عضو موثر آن تلقی کنند (ذوقفاری، ۱۳۹۹: ۹۷۵). تربیت فرایندی است که طی آن افراد در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، رسم و راه زندگی، افکار و عقاید، هنجارها و آداب و رسوم، الگوها و قوانین و معیارهای دینی و فرهنگی جامعه را می‌آموزند و به کار می‌بندند. «تربیت» شکلی از جامعه‌پذیری و فرایندی است که فرد توسط آن ارزش‌ها، اعتقادات، افکار و معیارها و الگوهای فرهنگ خاص خود را می‌آموزد و جزئی از شخصیت خویش می‌نماید. انسان در طول زندگی به واسطه تربیت، آموزه‌های اجتماعی، فرهنگی، قوانین و آداب و رسوم و همچنین وجوه دینی و معنوی را درک می‌کند (مالک و نایبج، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

تربیت توحیدی شرح صبرورت و شدن انسان به سمت خدا و درهم نوردیدن انواع حجاب‌های ظلمانی و نورانی است که از گذرگاه معرفت، انتخاب و عمل عبور می‌کند و باعث می‌شود تا انسان موحد در ابعاد مختلف بینش، گرایش و عمل، معطوف به حضرت حق، را با درک حضور موثر و فراگیر در متن هستی اخلاص پیشه کرده و در همه فعالیت‌هایش، محرکی جز «الله» نداشته باشد. استقرار این نگرش در فرد، او را از «اسفل السافلین» تا «اعلی‌العلیین» بر می‌کشد و خدا را بر سراسر وجودش حاکم می‌گرداند و در این سیر «مکانتی» و «درونی» شایسته مقام «خليفة اللهی» و «مظهریت ربوبیت» الهی می‌شود. آنچه تربیت توحیدی را از تربیت اسلامی رایج متمایز می‌کند آن است که در نظام تربیتی رایج پس از ارائه مطالبی در باب توحید نظری در مراحل اولیه تربیت و دعوت متربی به انجام امور عبادی به عنوان نماد توحید عملی، در سایر مراحل تربیتی به این اصل اساسی و بنیادین آنچنان که لازم و شایسته است پرداخته نمی‌شود و اهداف میانی تربیت مانند مبادی آداب اسلامی شدن و رعایت ظواهر احکام دین و دستورات شریعت جایگزین هدف متعالی

توحید می شود؛ به عبارت دیگر در اینجا سیر ظاهری انسان مطمح نظر قرار می گیرد؛ در حالی که تربیت توحیدی معطوف به تحول درونی و سیره باطنی انسان به سوی خداست و مستلزم آن است تا تمام ارکان نظام تربیتی از مبانی و اهداف تا روش ها و ابزارها رنگ نقطه اوج یعنی توحید را داشته باشند و در یک سیر و توالی منطقی منجر به استقرار نگرش توحیدی در فرد شوند (قیصری گودرزی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱). یکی از اصول مهم تعلیم و تربیت و به ویژه تربیت توحیدی، اصل «محبت» است. بر این اساس باید فرایند تربیت به شکل گیری گرایش های عمیق و بنیادین نسبت به خالق هستی منجر شود. طبق نظر اسلام، لازمه زندگی اجتماعی سالم، اخلاق و کردار نیکو است و اخلاق نیکو را باید در کردارهای نیکو ملاحظه کرد. از نظر مولای متقیان علی (ع) تربیت معنوی، تربیت الهی است که دستیابی به آن در پرتو رعایت تقوای الهی و توجه به مبدا و معاد و تعقل و تفکر و سیر در آفاق و انفس و سعی و جهد در تصفیه نفس از ردایل و آراسته شدن به فضایل، حاصل می شود که ثمره اش نورانیت و صفای دل و فلاح و رستگاری، و غایت آن تقرب الهی است (حیدری ستوده، ۱۳۹۱: ۱). آن حضرت، رفتار و زندگی مبتنی بر یاد معاد را به یاران آموزش می دادند، چنانچه به مالک اشتر سفارش می کردند که بازگشت به سوی پروردگار را بسیار به یاد آرد تا بتواند به درستی عمل کند و خود را از بی انصافی و ستمگری و استواری و از تندی و سرکشی دور نگه دارد (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۴).

قرآن به عنوان فرهنگ مشترک، مردم را به زندگی اجتماعی تشویق نموده و با بیان مولفه هایی از زندگی اجتماعی، افراد را در برابر اجتماع و جامعه مسئول دانسته و سبک خاصی از زندگی اجتماعی را ارائه می کند. جامعیت قرآن در حصار فرهنگ روزگار نزول و مخاطبان و نیازهای ویژه آن زمان محصور نمی شود، بلکه نیازهای جوامع در عرصه های مختلف را مورد توجه قرار داده است، همین امر موجب شادابی قرآن و کهنه نشدن آن شده است. قرآن به دنبال ساختن جامعه ای است که محورهایی همچون: تقوای اجتماعی، عدالت اجتماعی، اقتصادی اجتماعی، اخلاق اجتماعی و سلامت اجتماعی آن را شکل می دهند و مهم ترین مولفه های آن در این راستا برقراری عدالت، انفاق و فقرزدایی، حسن ظن نسبت به یکدیگر، عفو و مدارا، همزیستی مسالمت آمیز و صیانت از محیط زیست است؛ با توجه به اجتماعی بودن انسان، اسلام علاوه بر آن که قوای حکومت اسلامی را حافظ و مراقب همه شعائر دینی و حدود آن کرده، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکرات را بر عموم واجب نموده و آن را هدف مشترکی برای حفظ وحدت اجتماعی برای جامعه اعلام نموده است (سلیمانی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۵۵-۵۶).

۲- اصول تربیت سالم از دیدگاه قرآن کریم چگونه است؟

قرآن مجید به عنوان عالی ترین و مهم ترین منبع شناخت در میان ما مسلمانان محسوب می شود و معجزه جاویدان پیامبر اکرم (ص) تا روز رستاخیز است. قرآن مجید به درستی راه های هدایت بشر را به بهترین شیوه از زبان خالق هستی برای انسان تبیین نموده است و اسلام آورندگان را به سوی خیر مطلق و سعادت راهنمایی می کند. به همین خاطر است که قرآن مجید خود را به عنوان «تبیان» و بازگو کننده همه چیز و به عنوان کتاب هدایت و رحمت معرفی کرده است. «... و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً...»؛ و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم (نحل، ۸۹)». قرآن کریم تربیت اخلاقی و تزکیه نفوس انسان ها را از وظایف اساسی پیامبران الهی (هود، ۸۸؛ انبیاء، ۷۳) و از جمله پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، دانسته (بقره، ۱۵۱؛ جمعه، ۲) و خود آن حضرت را نیز بهره مند از خلق و خویی والا (قلم، ۴) و به برکت و رحمت و لطف الهی، نرم خو و مهربان (آل عمران، ۱۵۹) معرفی کرده و رسالتش را مصداق رحمتی جهان شمول از ناحیه پروردگار هستی (انبیاء، ۱۰۷) بر شمرده است. قرآن در آیات پرشماری مردم را به نیکوکاری و رفتار درست، فراخوانده و از زشت کاری و رفتار نادرست، برحذر داشته و با توجه به نظام پاداش و کیفر اخروی و بیان آثار و نتایج اخروی رفتار انسان، نوعی ضمانت اجرایی دینی برای اخلاقی زیستن، فراهم آورده است. افزون بر این، برخی آیات قرآن به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آثار و نتایج دنیوی اعمال انسان و بازتاب رفتار انسان در زندگی دنیوی او پرداخته است که در واقع تأکیدی بر نظام کنش و واکنش میان انسان و عالم هستی است و اعتقاد به آن می تواند در تربیت زندگی اخلاقی و سلامت اجتماعی انسان ها بسیار موثر و کارساز باشد. برخی آیات قرآن به روشنی بیان می کند که میان رفتار انسان و حوادث خارجی، ارتباطی وثیق برقرار است و انسان در همین زندگی دنیوی بازتاب رفتار نیک یا بد خود را خواهد دید (قربانی، ۱۳۹۹: ۲۵۶).

اسلام کامل ترین و جامع ترین دین الهی می باشد و همه ابعاد و نیازهای انسان را مورد توجه قرار داده است؛ هدف از نزول قرآن، هدایت بشر است (اسراء، ۹) و هدایت مورد نظر قرآن، همه نیازهای انسانی را، در بر می گیرد و در حصار فرهنگ روزگار نزول و مخاطبان و نیازهای ویژه آن ها محدود نمی شود؛ زیرا جامعیت و جهانی بودن عنصر اصلی خاتمیت است و «طبق ادله بایستی بعثت، بشر همواره نیازمند هدایت الهی است و انسان در هیچ دوره ای، نباید محروم از هدایت الهی (دین) باشد.

اگر دین الهی ختم شود و آن دین، مخصوص زمان و یا مکان خود باشد؛ باعث محرومیت انسان‌ها و نسل‌های دیگر از دین می‌گردد و با فلسفه بعثت، منافات دارد. پس دینی می‌تواند دعوی خاتمیت داشته باشد که همگانی و جاودانه باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۱۴-۲۲۷) فی الواقع «... لازمه متعادل بودن اسلام، جامعیت آن است» (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۹۰). خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «یا ایها الذین انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا؛ ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید». در این آیه، خداوند پس از ذکر خلقت انسان، بحث زندگی جمعی و گروهی را مطرح می‌کند که می‌تواند نشان از نوع زندگی بشر از ابتدای آفرینش باشد. همچنین آیه «و هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً و صهراً و کان ربک قدیراً؛ او کسی است که از آب، انسانی را آفرید، سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد) و پروردگار تو همواره توانا بوده است» (فرقان، ۵۴). به وجود روابط نسبی و سببی میان انسان‌ها از همان آغاز خلقت اشاره دارد که پایه‌های اولیه زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد. از جمله احادیثی که به ویژگی اجتماعی بودن انسان اشاره دارد، روایتی است که در آن نقل شده مردی در حضور امام زین العابدین (ع) گفت: «بار الهی، مرا از آفریدگانت بی‌نیاز کن». امام سجاد (ع) فرمودند: [دعای صحیح] چنین نیست؛ زیرا مردم به یکدیگر وابسته‌اند؛ ولی بگو: بار الهی، مرا از آفریدگان شروت بی‌نیاز کن. آیات قرآن کریم و احادیث را دو منبع کامل برای شناسایی روش‌های تربیت اجتماعی و عاطفی معرفی می‌کنند. (نوربخش و لاشدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۶). قرآن به دنبال ساختن جامعه‌ای است که محوریت آن را تقوا و سلامت فردی، تقوای اجتماعی، عدالت اجتماعی، اقتصاد اجتماعی، اخلاق اجتماعی و سلامت اجتماعی شکل می‌دهد (سلیمانی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۳۳). از دیدگاه قرآن و روایات، اگر تربیت اجتماعی در مسیر مطلوب قرار نگیرد، به جای اینکه انسان را به کمال و سعادت برساند، باعث آسیب دیدن فرد و جامعه می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم، انسان را موجودی فطرتاً اجتماعی معرفی کرده و فرموده است: «یا ایهاالناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم ان الله علیم خبیر» (حجرات، ۱۳). همان گونه که دیدیم، انسان با سرشتی اجتماعی آفریده شده است؛ از این روی، توانایی‌هایش در بستر خانواده، گروه و جامعه شکوفا می‌شوند و این فرایند شکوفایی استعدادها نیازمند تربیت است؛ بنابراین، اجتماعی بودن انسان با تربیت اجتماعی و نیز ترکیب با آموزه‌های معنوی و اعتقادی همراه است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۱).

۳- محورها و مولفه‌های تربیت سالم از دیدگاه قرآن در زندگی اجتماعی چیست؟

بی‌تردید بخش عظیمی از اصول و کلیات قرآن کریم، اجتماعی است و جنبه‌های عبادی و اخلاقی آن نیز در این راستا تشریح شده‌اند، لذا تعالیم کلیه اسلام، مهم‌ترین بخش دین، یعنی بعد اجتماعی را تشکیل می‌دهند، که در جامعه قابل اجرا می‌باشند. با نگاه به تعالیم و دستورهای قرآن می‌توان مؤلفه‌ها و محورها در حوزه اجتماعی را در دو قالب، تعالیم اجتماعی محض و تعالیمی که با وجود اجتماع جلوه و ظهور کامل دارند، بررسی کرد؛ این محورها شامل، تقوای اجتماعی، عدالت اجتماعی، اقتصاد اجتماعی، اخلاقی اجتماعی، سلامت اجتماعی و ... است، که مهم‌ترین مولفه‌های آن در این راستا، فقر زدایی، اخلاق نیکو، حسن ظن نسبت به یکدیگر، حفظ کرامت انسانی، برقراری عدالت، صیانت از محیط زیست، امر به معروف و نهی از منکر و ... است. از آنجا که پرداختن به همه نمونه‌های آن مجال موسع می‌طلبد، در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

« تقوای اجتماعی این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم ... باید به آن آرمان‌ها پایبند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام این‌ها را از ما خواسته است؛ این جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هر کسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است ... » (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴). با توجه به قرآن و روایات کسب علم، عدم وابستگی به دنیا، مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران، حسن ظن نسبت به دیگران و ... از مولفه‌های تقوای اجتماعی هستند.

یکی از عوامل انحراف و سقوط اخلاقی در هر اجتماعی، فقر می‌باشد و بسیاری از تنش‌های اجتماعی و مشکلات خانوادگی و جرم و گناه ریشه در نیاز شدید مالی دارد؛ چرا که یکی از عواملی که گاه موجب کدورت‌های خانوادگی و فردی بین دوستان و آشنایان می‌شود، مسائل اقتصادی است، یعنی چه بسا در کنار کسی که دارای توانایی مالی خوبی است، برادر و خواهر، فامیل و آشنا و دوستان می‌باشد که در تنگنای اقتصادی و مالی هستند، لذا خداوند متعال می‌فرماید: « در راه خدا انفاق کنید و خویشتن را به دست خویش به هلاکت میندازید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد» (بقره، ۱۹۵). قرآن کریم در صدد است تا علل انحراف‌های اخلاقی در ریشه خشکانده شود و جامعه از افتادن در ورطه هلاکت و نابودی مصون بماند، لذا با ترویج سنت‌های اسلامی،

قصد پیشگیری از فقر را داشته و می‌کوشد تا در جامعه روح تعاون حاکم باشد و اغنیاء، فقرا را در اموال خود شریک دانسته و حقی برای آن‌ها قائل باشند، زیرا در چنین جامعه‌ای انحرافات چون سرقت، قتل، جنایت و ... کمیاب شده و جامعه به سوی سازندگی و رشد حرکت می‌کند و در نهایت، آرامش و امنیتی که در جامعه ایجاد می‌شود شامل حال همه افراد می‌گردد.

یکی از محورها و مولفه‌های قرآن در حوزه اجتماعی، عدالت است؛ زیرا عدالت تنها یک امر پسندیده اخلاقی نیست، بلکه از عوامل موثر و مهم در زندگی و روابط اجتماعی و حتی مهم‌ترین اصل مدیریت اجتماعی است، از همین رو قرآن کریم بسیار به آن توجه کرده و برقراری عدالت را از مولفه‌های عدالت اجتماعی می‌داند و مسلمانان را به عدالت پروری، دادگری و اخلاق پسندیده، حتی با مشرکان، فرا خوانده و از ظلم و ستم بر حذر می‌دارد (حج، ۶۹؛ شوری، ۱۵).

یکی از محورهای قرآن مجید، اخلاق اجتماعی است که شفقت، عفو و مدارا، همزیستی مسالمت آمیز، ادای امانت و عدم پیمان شکنی از مهم‌ترین مولفه‌های آن هستند. آیات قرآن کریم سرشار از توصیه به مدارا و رفق در روابط اجتماعی و فردی است. خداوند می‌فرماید: «و قولوا للناس حسنا» (بقره، ۸۳) و حتی جواب سلام را به طور مطلق واجب و از مسلمانان می‌خواهد که پاسخ سلام را بهتر از آن یا لااقل به همان گونه پاسخ گویند (نساء، ۸۶). تشویق به عفو در مورد حق الناس (بقره، ۱۷۸) عفو مجرم در صورت توبه قبل از صدور حکم در حقوق الهی (مائده، ۳۳ و ۳۴) و ... بیانگر آن است که اجرای حدود، نیز به هدف اصلاح جامعه و روابط اجتماعی است نه نماد خشونت، چنانچه حتی توسل به خشونت در برابر دشمنان نیز تنها در صورت موثر نبودن شیوه‌های مسالمت‌آمیز و مدارا ضرورت می‌یابد (اعراف، ۶۰-۶۷؛ مریم، ۴۲-۴۷؛ طه، ۴۴ و ...). قرآن کریم هرگز مدارا و رفق را به مومنان محدود نساخته (بقره، ۱۰۴)، بلکه تمامی انسان‌ها (آل عمران، ۱۳۴)، خواه مسلمان (بقره، ۲۳۷؛ آل عمران، ۱۵۹؛ فتح، ۲۹)، یا اهل کتاب (بقره، ۱۰۹؛ مائده، ۱۳) و مشرک (جاثیه، ۱۴؛ حجر، ۸۵) و نیز گنهکاران (بقره، ۱۷۸؛ مومنون، ۴۹) را در جای خود نیازمند گذشت و مدارا می‌داند. زیرا این اصل در اداره امور مردم و تنظیم مناسبات اجتماعی تاثیر مهمی دارد.

قرآن به مسائل اجتماعی توجه تام دارد و همزیستی مسالمت آمیز یکی از مولفه‌های قرآن در حوزه زندگی اجتماعی است. قرآن مردم را به همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت و از اختلاف و دشمنی نهی کرده (حجرات، ۹) و فرموده است: «از خدا بپرهیزید و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید» (انفال، ۱) تا خداوند به شما با دیده رحمت و مغفرت بنگرد (نساء، ۱۲۹). قرآن با شعار هم

زیستی مسالمت‌آمیز دعوت خویش را به جهانیان عرضه نمود و نه تنها با صراحت کامل، نفی نژادپرستی کرده (حجرات، ۱۳) و انبیا و کتب آسمانی پیشین را به رسمیت شناخت (مائده، ۴۸، نساء، ۴۷)، گفت و گو و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را توصیه نموده (عنکبوت، ۴۶) و اهانت به آیین های دیگر و کینه توزی و دشمنی نسبت به پیروان آن را مذموم شمرد (انعام، ۱۰۸) و برای تامین هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، راه‌های گوناگونی از جمله توجه به آزادی عقیده و فکر (بقره، ۲۵۶؛ یونس، ۹۹؛ کهف، ۲۹) توجه به اصول مشترک (آل عمران، ۶۴)، استقبال از پیشنهاد صلح (نساء، ۹۰)، پذیرش حقوق اقلیت‌ها (ممتحنه، ۹۰)، صلح بین المللی (انفال، ۶۱؛ بقره، ۲۰۸)، تعاون در مسائل بین المللی نیز سفارش نمود (مائده، ۲).

قرآن انسان را به رعایت ارزش‌های اخلاقی در هم‌زیستی فرا می‌خواند، تا این هم‌زیستی اخلاقی به تربیت افراد جامعه و هم‌افزایی فضایل اخلاقی بیانجامد. که از هم‌زیستی اخلاقی تعبیر می‌شود، لذا هم‌زیستی اخلاقی عبارت است از: «برقراری روابط با هر یک از افراد و گروه‌های اجتماعی بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و با رویکرد تربیتی، که به هم‌افزایی فضائل اخلاقی می‌انجامد و از ترویج ردایل اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی می‌کاهد» (سیدپور آذر، ۱۳۹۳: ۷).

همه مردم، صرف‌نظر از هر نوع امتیاز، همچون نژاد، رنگ، ثروت، مقام و ...، در خلقت مساوی بوده، جز تقوا هیچ برتری ای بر یکدیگر ندارند (حجرات، ۱۳)، چنانچه بسیاری از آیات خطاب به همه بشر خطاب دارند؛ مانند «یا بنی آدم» (اعراف، ۱۷۱، ۳۵، ۲۷، ۲۶؛ اسراء، ۷۰) و «یا ایها الانسان» (انفطار، ۶؛ انشقاق، ۶ و ...)، زیرا «... در مقیاس جهانی، تلاش برای ایجاد عدالت، و برابری، صلح، امنیت و توسعه از مصادیق «بر» می‌باشد و مبارزه با سلطه، استثمار، نژادپرستی و هر نوع تلاش برای قطع ریشه‌های تجاوز در سطح جهانی، تلاش در جهت تقوا و نزدیک تر شدن ملت‌ها به اراده و خواست خدا محسوب می‌شود و در این راه، باید از هر نوع همکاری و تعاون که موجب فساد و تباهی و ظلم است خودداری نماید». برابری که قرآن مدنظر دارد هم شامل مساوات در اصل انسانیت و هم مساوات در حقوق و اجرای قوانین می‌شود؛ چنانچه پیامبر (ص) درباره مساوات در حقوق و اجرای قوانین در فرازی از سخنانش در اجرای حد الهی بر زن سارقه ای می‌فرماید: «... به خدا اگر فاطمه دختر محمد به سرقت بپردازد، من دستش را قطع می‌کنم» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۹۴). مبانی فکری چنین رفتار مسالمت‌آمیزی به این حقیقت باز می‌گردد که اسلام، جامعه و نظم سیاسی خود را بر اساس آزادی دینی بنیان نهاده است (کهف، ۲۹) و کرامت انسان معیار روابط اجتماعی و سیاسی است (اسراء، ۷۰).

از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، ارتباط افراد با یکدیگر، اعتماد و وفاداری نسبت به همدیگر است. در زمینه روابط جوامع انسانی هیچ قانونی، متعالی‌تر از تعالیم قرآنی نیست و تا این حد به وفاداری و امانت‌داری در عهد و پیمان اجتماعی اهمیت نداده است. قرآن کریم ضمن تذکر به عدم وفاداری کافران (توبه، ۱۲)، مومنان را به وفاداری به پیمان‌ها میان خویش و حتی در برابر کافران سفارش می‌کند و می‌فرماید: «سوگند‌های خود را حفظ کنید» (مائده، ۸۹)، «سوگند‌ها را بعد از محکم ساختن نشکنید» (نحل، ۹۱) و «سوگند‌هایتان را وسیله تقلب و خیانت در میان خود قرار ندهید» (نحل، ۹۴). در قرآن کریم امانت‌داری و رعایت امانت از صفات و خصلت‌های انسان‌های با ایمان معرفی شده (مومنون، ۸؛ انفال، ۲۷) و خداوند فرموده: «ان الله یامرکم أن تؤدوا الامانات الی اهلها؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید» (نساء، ۵۸) این فرمان شامل همه امانت‌ها و تعهدها می‌شود و در مقابل، قبح خیانت تا آنجا است که در فرهنگ قرآن، اگر اموال و منافع و اولاد انسان به خطر بیفتد، نباید به خاطر آنها خیانت کرد؛ چنان که خداوند فرموده: «بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش هستند» (انفال، ۲۸) و نیز فرموده است: «در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می‌گردانند و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنها بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند، مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده باشی، این به خاطر آن است که می‌گویند: ما در برابر امیین (غیر یهود) مسئول نیستیم» (آل عمران، ۷۵).

سوره مبارکه نور در پی معرفی تعدادی از «حریم‌های» معنوی است که در هدایت و سلامت فردی و اجتماعی افراد نقش دارد و وضع قوانین و توصیه‌ها، بشارات و انذارهای این سوره همگی در این راستاست. خداوند در آیه ۳۵ سوره نور، در معرفی تمثیلی خود نیز، از قاعده این سوره بهره برده و خود را در قالب حریم‌هایی معرفی می‌کند. خداوند از آیه ۲-۳۴ به بیان حریم‌هایی می‌پردازد که شکسته شدن آنها عواقب دنیوی و اخروی را در پی دارد و در آیه ۳۴ دوباره به نزول آیاتی روشنگر و مبین اشاره می‌کند که برای کسانی که اهل تقوا هستند، پند و موعظه است. در آیه ۳۵ در معرفی تمثیلی خود طبق ساختار این سوره برای خود نیز حریم‌هایی قائل می‌شود که با توجه به روایات در این زمینه قابل فهم می‌گردند. از آیه ۳۷ تا ۵۷ گویا خداوند به دو دسته از بندگان اشاره دارد که حریم را محترم شمرده و از او اطاعت کرده‌اند و پاداش می‌بینند و دسته‌ای که مخالفت می‌کند و نتیجه آن را خواهند دید. آیات ۵۸ تا ۵۹ به حفظ حریم زوجین در ساعاتی خاص توسط اهل منزل اشاره کرده و آیه ۶۰ به حدود حجاب زنان سالخورده پرداخته است. آیه ۶۱ به حفظ حریم خانه‌ها به

وسیله سلام کردن و حد مجاز از استفاده از خانه خویشان اشاره دارد و در آیات ۶۲ تا ۶۳ به حفظ حریم جایگاه اجتماعی پیامبر اکرم (ص) و نحوه صحیح خطاب کردن ایشان پرداخته و در نهایت می‌فرماید: هر آنچه در آسمان و زمین است در قلمرو اوست و همه اعمال و رفتار شما در دنیا و آخرت نیز در محدوده علم و آگاهی اوست.

از دیدگاه قرآن حفظ حریم زنان در جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حدود ۲۴ آیه از سوره نور به این مسئله پرداخته است. در جامعه‌ای که زنان به عنوان عضوی از جامعه از امنیت جسمی و روانی تهی باشد، نمی‌تواند عملکرد اجتماعی مناسبی داشته و در واقع سلامت اجتماعی آنها آسیب دیده و در معرض خطر خواهد بود. از طرفی یکی از شاخصه‌های جامعه سالم، نیز ایجاد بستر روانی مناسب جهت حضور در عرصه‌های اجتماعی و حضور موثر زنان در جامعه است. شیوع تهمت‌های ناروا به زنان و برخوردهای جنسیتی به آنان از مواردی است که قرآن در این سوره به شدت با آن برخورد کرده و برای جلوگیری از چنین آسیب‌هایی احکامی سخت از قبیل مجازات کسی که نتواند ادعایش را با ۴ شاهد اثبات کند قرار داده است. وقوع فحشا در جامعه، سلامت فردی و اجتماعی اشخاص را به خطر می‌اندازد، اما اشاعه فحشا آسیبی است که سلامت جامعه را تهدید می‌کند و در نتیجه سایر افراد جامعه نیز در معرض خطر خواهند بود. خداوند نسبت‌های ناروا به زنان را از مصادیق اشاعه فحشا دانسته و در آیه ۱۹ این سوره با لحنی شدید به مجازات اشاعه دهندگان فحشا در جامعه در دنیا و آخرت اشاره می‌کند. این آسیب در جوامع امروزی، تغییر مدل یافته و به صورت سازمان یافته از طریق شبکه‌های تلویزیونی و اینترنتی هدایت شده و در وهله اول سلامت اجتماعی زنان را به خطر می‌اندازد. حضور ابزاری زنان در جامعه باعث کاهش رضایت درونی آنها از حضور در اجتماع شده و این بخش موثر در سلامت جامعه را دچار اختلالات روانی و اجتماعی می‌کند. اشاعه فحشا می‌تواند مولفه‌ای قابل ارزیابی توسط جامعه‌شناسان در کاهش سلامت جامعه باشد (آیت و مطیع، ۱۳۹۹: ۱۱۹۲).

نکته دیگری که سوره نور بدان اشاره می‌کند منع ورود به خانه دیگران بدون اجازه در حضور یا عدم حضور آنهاست. در واقع در آیات ۲۸ و ۲۷ خداوند به حریم منازل و افراد در منزل اشاره کرده که باید مورد احترام قرار بگیرد. امروزه با توجه به تغییر معماری ساختمان‌ها و منازل شاید این مسئله به این شکل مطرح نباشد. اما هنوز در جوامعی که به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کنند و جوامعی که با نسبت‌های خویشاوندی بسیار این مسئله دیده می‌شود، حفظ حریم منازل در احساس امنیت اجتماعی فرد موثر است. نکته‌ای که قرآن به آن توجه کرده و مومنان را به حفظ آن توصیه کرده و

نکته‌ای است که در کیفیت سلامت اجتماعی جوامع بومی قابل ارزیابی است. خداوند در قرآن حضور زنان، فعالیت‌های اجتماعی آنها و تعاملات اجتماعی زن و مرد را به رسمیت می‌شناسد. وضع احکام و چارچوب‌هایی جهت حضور زن در جامعه و همچنین توصیه‌های قرآن در برخورد و تعامل با مردان از دلایل این مدعاست. قرآن کریم برای حفظ سلامت اجتماعی زن و مرد در این تعاملات، چارچوب‌هایی قرار داده است. یکی از این موارد که در آیات ۳۰ تا ۳۱ سوره نور به آن اشاره شده است، نگاه کردن مردان به زنان و بالعکس و همچنین خودداری از نگاه جنسیتی به یکدیگر است. قرآن در تعاملات اجتماعی زن و مرد را به عنوان دو عنصر اجتماعی می‌شناسد که باید در راستای شکوفایی جامعه و فعالیت‌های اجتماعی با هم مشارکت داشته باشند. نگاه‌های جنسیتی، آنها را نسبت به وظایف اجتماعی خود سست کرده و سلامت اجتماعی آنها را دچار آسیب خواهد کرد. نگاه خیره و جنسیتی نداشتن مردان به زنان نیز مؤلفه‌ای است که در احساس امنیت اجتماعی زنان قابل ارزیابی است. خداوند در فرازهای ۶۲ و ۶۳ سوره نور به فعالیت‌های اجتماعی تحت امر پیامبر اشاره کرده و مومنان را از خروج بدون جواز از این فعالیت‌ها بر حذر می‌دارد. این مسئله به مولفه روحیه مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی در مبحث سلامت اجتماعی افراد اشاره دارد و مومنان را به ثابت قدم بودن در این مشارکت‌ها تحت مدیریت پیامبر اکرم ترغیب می‌کند (آیت و مطبع، ۱۳۹۹: ۱۱۹۳).

در برخی آیات قرآن (طلاق، ۲-۴) به تاثیر تقوا در گشایش زندگی انسان و رهایی از سختی‌ها و تنگناهای زندگی و افزایش رزق و روزی مادی و معنوی و نیز افزایش بصیرت انسان در تشخیص حق از باطل (انفال، ۲۹)، اشاره شده است. گفته شد که رابطه‌ی حقیقی میان اعمال انسان و زندگی فردی و اجتماعی او برقرار است در بسیاری از آیات قرآن از تاثیر عمل صالح و رفتار نیک بر زندگی دنیوی انسان (علاوه بر زندگی اخروی او)، سخن رفته است که شاهدی بر نظام کنش و واکنش انسان و عالم هستی است.

آیاتی از قرآن (آل عمران، ۱۷۸؛ انعام، ۴۲ تا ۴۵؛ اعراف، ۱۸۳ تا ۱۸۲؛ اسراء، ۱۶؛ قلم، ۴۴ تا ۴۵) ضمن تاکید بر اندیشه توحیدی، بر نظام پویا و زنده عالم هستی در واکنش به رفتار انسان دلالت دارند. افزون بر این در آیات پرشماری از قرآن (از جمله: آل عمران، ۱۰ تا ۱۱؛ انعام، ۶؛ یونس، ۱۳ تا ۱۶؛ حج، ۴۵ تا ۴۶؛ غافر، ۲۱ تا ۲۲ و ...)، سرگذشت و سرانجام شوم و ناگوار اقوام و امت‌هایی آمده است که با سرکشی و نافرمانی و فسق و فجور خود و با تکذیب آیات و پیامبران الهی، به هلاکت رسیدند. این آیات از یک سو ما را به تدبیر در سرگذشت آنان و عبرت‌آموزی از سرنوشتشان

فرا می خواند و از سوی دیگر بخشی از نظام عالم هستی را در بازتاب رفتار انسان و اجتماع انسانی نمایان می سازد و نوعی ضمانت اجرایی فردی و جمعی برای اخلاق زیستن و رعایت موازین اخلاقی و حدود الهی فراهم می آورد که زمینه ساز سلامت اجتماعی است.

آیاتی از قرآن که به تاثیر رباخواری در زندگی دنیوی پرداخت است، شاهدی بر واکنش نظام عالم هستی نسبت به رفتار انسان، به شمار می آید: کسانی که ربا می خورند، بر نمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: « داد و ستد صرفاً مانند ریاست» و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست و کارش به خدا واگذار می شود و کسانی که (به رباخواری) بازگردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود (بقره، ۲۷۵). ربا تعادل و موازنه ثروت را در جامعه به هم می زند و آن نظامی را که فطرت الهی به آن، راهنمایی می کند و باید در جامعه حاکم باشد، مختل می سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۲). برخی آیات قرآن (اعراف، ۸۵؛ هود، ۸۴ تا ۸۶؛ اسراء، ۳۵؛ شعراء، ۱۸۱ تا ۱۸۳؛ مطففین، ۱ تا ۳) که می توان آنها را شاهدی بر نظام کنش و واکنش میان انسان و عالم هستی به شمار آورد، انسان ها را به رعایت حق و انصاف در معاملات اقتصادی تشویق کرده و کم فروشی را موجب فساد و اختلال در نظام اقتصادی دانسته است. توجه به این آیات نیز، سلامت اقتصادی را در پی دارد که خود به سلامت اجتماعی منجر می شود.

صداقت از اصول اجتماعی قرآن است که افزون بر بعد گفتاری، نوعی شیوه رفتاری و عملی نیز به شمار می آید. صدق رفتاری یا عملی به معنای مطابقت رفتار و اعمال انسان با اعتقاد و گفتار وی است. قرآن کریم، به ملتزم بودن این دو امر، یعنی مطابقت اعتقاد و رفتار انسان اشاره کرده و آن را از ویژگی های «صادقان» تلقی می کند: « انما للمؤمنون الذین ءامنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون؛ در حقیقت مومنان کسانی هستند که به خدا و پیامبر او گرویده اند؛ سپس تردیدی به خود راه نداده و در راه خدا با اموال و جان های شان مجاهده کرده اند؛ اینان همان راست کرداران هستند» (حجرات، ۱۵). هم نشینی صداقت با ایمان، گویای این مطلب است که جامعه ایمانی، بدون صداقت شکل نمی گیرد. اگر گفتار و رفتار انسان مساوی با باور ایمانی او باشد، اسباب تامین آرامش، اعتماد و اطمینان اجتماعی فراهم می آید.

در آیه ۸۳ سوره بقره، می فرماید: « و قولوا للناس حسناً؛ با مردم به نیکویی (همراه با خیرخواهی)، سخن بگویید». خداوند، حتی برای مواجهه با دشمن خود - فرعون - نیز به پیامبر خویش، توصیه به

نرم گویی می‌کند(طه، ۴۴) تا بر اثر رویارویی با سخن نرم و ملایم توأم با صراحت و قاطعیت، دل فرعون منعطف شود و ایمان را بپذیرد « یتذکر » ، یا از ترس مجازات الهی در دنیا یا آخرت و از میان رفتن شکر و قدرتش، سر تسلیم فرود آورد و با حضرت موسی علیه السلام مخالفت نکند(بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۲۸). رعایت این اصل مهم تربیتی در روابط اجتماعی، به ویژه هنگام نصیحت، امر به معروف و نهی از منکر، باعث تألیف قلوب و تحریک احساسات طرف مقابل شده و از جبهه گیری در برابر حق جلوگیری می‌کند؛ زیرا قول لین، عزت گناه آلود (و متکبرانه) شخص را بر نمی‌انگیزد و طرف مقابل در برابر او، جبهه نمی‌گیرد(سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۴: ۲۳۳۶). بنابراین، اصل نرم گفتاری نه تنها در برخورد با دوستان الزامی است، بلکه در رویارویی با مخالفان و دشمنان نیز ضرورت دارد. از جمله نمونه‌های سخن نیکو، «قول میسور» است. خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره اسراء، سفارش به قول میسور می‌فرماید. یعنی هنگامی که امکان کمک به مستمندان وجود ندارد، باید با آنان به صورت ساده و نرم و به دور از درشتی و خشونت سخن گفت(طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۸۳). آیات گوناگون در این موضوع، بیانگر اهمیت نیک گفتاری در فرهنگ قرآن هستند. خداوند به گونه‌های متفاوت مردم را به خوش سخنی و آزار و اذیت لفظی نداشتن در روابط گوناگون اجتماعی توصیه می‌کند. روابطی مانند، رابطه میان غنی و فقیر، فرزند با پدر و مادر و ... بدیهی است که در سایه این خصلت پسندیده، هیچ گاه دوستی‌ها و دشمنی‌ها مبدل نمی‌شوند و میان اعضای جامعه همواره وفق، دوستی، تعاون و همدلی خواهد بود و دنبال آن، مشکلات اجتماعی به کمترین حد خواهند رسید. ادب در گفتار یکی از کارآمدترین روش‌ها در ارتباطات با مردم است. تخلق باطنی به ادب، از مصداق‌های دشوار نیک گفتاری است که تنها انسان‌های وارسته و الهی به آن متصف می‌شوند. برخی از آیات الهی بیانگر ادب گفتاری پیامبران و اوصیاء (ع) در تکلم با خداوند و برخورد با مردم هستند. در ادامه نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود. قرآن کریم افزون بر سفارش بر نیک گویی و کلام زیبا، در مقابل، مردم را از بدگویی پرهیز داده است. پرهیز از سب، ناسزاگویی، بهتان، سخن چینی و غیبت(حجرات، ۱۲) از آن جمله‌اند. قرآن کریم رعایت اصول ادب در بیان را حتی در برابر بدترین و خرافی‌ترین آیین‌ها، که همان بت پرستی است نیز لازم و ضروری می‌داند و می‌فرماید: « و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله؛ (به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید» (انعام، ۱۰۸)؛ زیرا این کار راه بی ادبی و اهانت متقابل را باز کرده و بت پرستان نیز به دشنام دادن به خدای یکتا روی می‌آورند.

بحث و نتیجه گیری

انسان موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند به سوی غایت تربیت، جز در میان جمع و بر اساس روابط صالح اجتماعی سیر کند. انسان چه در حال آسایش و راحتی و چه در بلا و سختی لازم است قدرت های مادی و معنوی خود را روی هم بریزد و کلیه شئون زندگی خویش را در پرتو روابط اجتماعی سالم و تعاون و همکاری اجتماعی به سامان رساند. بنابراین زندگی انسان ها عرصه تربیت اجتماعی است. تربیت اجتماعی پرورش جنبه‌هایی از رفتار آدمی است که به او یاد می‌دهد که به بهترین شکل حقوق و مسئولیت ها و وظایف خود را نسبت به هم نوعان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف اقدام کند. از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، اگر «تربیت اجتماعی» در مسیر مطلوب خود قرار نگیرد، به جای آن که انسان را به کمال و سعادت برساند، باعث آسیب رساندن به خود فرد و جامعه می‌شود. در نگاهی عمیق به آیات و روایات معصومین (ع) در می‌یابیم که دین مبین اسلام آموزه های فراوانی درباره موانع تربیت اجتماعی و نقش آن بر سلامت جامعه بیان کرده است. قرآن کریم دارای اندیشه و نظرات مهم و الگوهای عملی منحصر به فردی است که قابل بررسی عمیق است. انسان به زندگی اجتماعی گرایش دارد؛ مواردی، همچون: زندگی مشترک، داشتن روابط متقابل، فرهنگ مشترک و تعهد به آن برای تحقیق زندگی اجتماعی ضروری هستند؛ مؤلفه ها و محور های قرآنی در حوزه‌های گوناگون، از جمله اجتماعی و نهادینه سازی آنها اهمیت بسزایی دارند. قرآن در مسائل اعتقادی، اخلاقی، احکام فقهی و حقوقی نیز به ابعاد اجتماعی انسان نظر کرده، مؤلفه های سازنده یک جامعه توحیدی و یکپارچه را برشمرده و مردم را به سوی آنها توصیه نموده و از موانع برحذر داشته است. این امر نشانگر جامعیت قرآن در همه جنبه های مورد نیاز هدایت فردی و اجتماعی انسان بوده و موجب پویایی قرآن شده است. قرآن کریم در جایگاه قانون اساسی اسلام است و مبنای و چارچوب تمام معارف اسلامی را مشخص می‌کند. بنابراین یافته‌هایی که از قرآن کریم به دست می‌آید، راهبردهای کلان حرکت جامعه به سمت سعادت و هدف غائی - به عبارتی قرینه الی الله - را در بر می‌گیرد. آن چه از آیات قرآن کریم بر می‌آید این است که اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی ریزی شده است، هر چند ضرورت‌های زندگی انسان و تامین نیازهای او از طریق اجتماع و نقش آن بر سلامت جامعه را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله هر گونه تعارض منافع بوده است.

منابع

- قرآن کریم .
- آیت، نیره سادات و مهدی مطیع. (۱۳۹۹). نقش رعایت « حریم» در « سلامت اجتماعی» از دیدگاه قرآن در سوره نور. همایش قرآن و سلامت اجتماعی. دوره ۱، صص ۱۱۹۷-۱۱۸۲.
- بنائی، معصومه. ضامنی، فرشیده. رسولی، سیده عصمت. (۱۳۹۹). شناسایی تأثیر ابعاد تربیت اجتماعی مبتنی بر مبانی فلسفی از منظر قرآن و عترت بر پیش گیری از آسیب های اجتماعی دانش آموزان. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، شماره ۴، صص ۳۶-۴۵.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی). بیروت، دار احیاء التراث العربی .
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). شریعت در آینه معرفت، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. نظارت عمومی، مجله پاسدار اسلام .
- حسینی میرصفی، اشرف السادات. (۱۴۰۱). «روش های تربیت اعتقادی نبوت و مبانی فلسفی آن در قرآن مجید». فصلنامه علمی- پژوهشی قرآن و طب، دوره ۶، شماره ۴، صص ۱۰۷-۱۱۷).
- حیدری ستوده، زین العابدین. (۱۳۹۱). تربیت معنوی از دیدگاه امام علی(ع) بر مبنای نامه های نهج البلاغه. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی. دانشگاه ملایر، دانشکده علوم انسانی .
- ذوقفاری، شهاب الدین. (۱۳۹۹). راهبردهای اخلاقی قرآن برای ارتقای سلامت اجتماعی. همایش قرآن و سلامت اجتماعی، دوره ۱، صص ۹۷۵-۹۸۵.
- رضازاده عسگری، زهرا. (۱۳۹۹). نقش الگوها در تربیت از منظر قرآن کریم و روایات اهل بیت(ع). همایش قرآن و روان شناسی، دوره ۱، صص ۱۳۴۴ - ۱۳۵۳.
- سلیمانی، سمیه ، رحیمی، مرتضی. (۱۳۹۸). محورهای و مولفه های قرآن کریم در خصوص زندگی اجتماعی. فصلنامه علمی تخصصی، رهیافت فرهنگ دینی، سال دوم، شماره ۷.
- سیدپور آذر، حسن. (۱۳۹۳). محبت ورزی در همزیستی از منظر قرآن. مجله اخلاق و حیانی، دوره ۴، شماره ۶.

- شیخ سفلی، لیلا. رفیعی، حسن رضا. رضایی، صادق. (۱۴۰۰). طراحی الگوی تربیت اجتماعی در قرآن کریم برای پیش گیری از بزهکاری دانش آموزان. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۹، شماره ۵۱، صص ۹۷-۱۲۵.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیرالقرآن. چاپ دوم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیرالقرآن. بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فتحی، علی. سیدخراسانی، راضیه سادات. حسینی زاده، سید علی. (۱۴۰۰). اصول تربیت گفتاری در قرآن کریم با تکیه بر بعد اجتماعی. نشریه تفسیر و علوم قرآنی حکمت بالغه. دوره اول، شماره ۲، صص ۷۹-۵۹.
- فرزند وحی، جمال و طاهره، حیدر نژاد. (۱۳۹۲)، مراحل تربیت از دیدگاه قرآن. سنت و علم روانشناسی، علوم قرآن و حدیث، نشریه حسنا، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۰۱ تا ۱۲۲.
- قربانی، اکبر. (۱۳۹۹). سلامت اجتماعی در پرتو باور به نظام کنش و واکنش از دیدگاه قرآن. همایش قرآن و سلامت اجتماعی. صص ۲۵۱-۲۷۲.
- قطب، سید محمد. (۱۴۲۵ق). فی ضلال القرآن. چاپ سی و پنجم، بیروت، دارالشروق.
- قیصری گودرزی، کیومرث. خوشخویی، منصور. سلحشوری، احمد. (۱۳۹۶). « اصول تربیت توحیدی بر اساس آموزه های قرآن و ائمه اطهار (ع). دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال ۱۲، شماره ۲۵، صص ۷-۲۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. قم، دارالحدیث للطباعه و النشر.
- مالک، حسین و خدیجه نایبج. (۱۳۹۰). تعلیم و تربیت از نظر ارسطو. فصلنامه فلسفه و کلام، شماره ۵، صص ۱۰۳-۱۲۱.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). مجموعه آثار. تهران، انتشارات صدرا.
- نبوی، زهره سادات؛ سلگی، مریم؛ صف آرا، مریم. (۱۳۹۷). تحلیل اثربخشی تربیت اخلاقی در قرآن کریم بر پایه حیات طیبه. فصل نامه علمی - پژوهشی قرآن و طب. دوره ۴، شماره ۱، صص ۴۰-۴۵.

نجفی، محمد. متقی، زهره. نصرتی هشی، کمال. (۱۳۹۴). سازماندهی نظام تربیت عاطفی بر اساس آموزه‌های قرآنی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۳، شماره ۲۹، صص ۴۹-۸۲.

نوربخش ولاشدی، اسماعیل. ماشینچی، علی اصغر. رنجبر، مختار. (۱۳۹۹). طراحی الگوی تربیت اجتماعی از منظر قرآن و سنت بر اساس نظریه داده بنیاد. مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، دوره ۴، شماره ۴، صص ۷۵-۸۸.

نهج البلاغه. (۱۳۸۳). ترجمه محمد دشتی. قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین.

Healthy upbringing in social life from the perspective of the Holy Quran

Habibeh Kayedi¹

Abstract

Introduction and Goal: In Islam, special attention has been paid to the issue of education; Because in this religion, humans have intellectual treasures that must be opened. They have hidden innate knowledge that can be removed from oblivion with meditation, which is a part of education. The purpose of this research is healthy education in social life from the perspective of the Holy Quran.

Research methodology: This research was carried out in the framework of analytical and descriptive method and the library method was used to collect the materials, and the concepts of the Holy Quran are the reference and the main source of citation of its materials and arguments, which can be found by referring and examining the verses appropriate to the topic, the text and The translation of some reference verses is mentioned in the body of the research and cited and explained.

Findings: The findings of the research show that: The Holy Qur'an, in healthy education in social life, considers religious, moral, jurisprudential and legal rulings as well as the social dimensions of human beings, enumerates the building blocks of a monotheistic and unified society, and guides people towards them. advised and warned of obstacles.

Conclusion: what emerges from the verses of the Holy Quran is that human sociality is based on the context of her creation, although the necessities of human life and the provision of her needs through society and its role on the health of society cannot be ignored either.

Keywords: Education, social life, Holy Quran.

¹ PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Kazrun branch, Kazrun, Iran. and teacher, Baladeh section, Kazrun (Kayedihabibeh@gmail.com)